



درس خارج فقه نظام سیاسی آیت الله اراکی رحمته الله

عنوان درس:	فقه نظام سیاسی	جلسه ۴۷	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۱۱/۱۲
عنوان فرعی ۱	اجرای عدل؛ اولین وظیفه رهبری			
عنوان فرعی ۲	عدل سیاسی			
عنوان فرعی ۳	مبحث دوم: اصول حاکم بین رابطه ولیّ عام با مدیران			
مقرر:	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش			

بحث ما در اصولی بود که رابطه بین حاکم و عامه مردم را تنظیم می کند و بر اساس این اصول، این رابطه برقرار می شود. گفتیم اصل اول، اصل محبت است و اصل دوم اصل رحمت و مهربانی است. بحث امروز در اصل سوم است.

اصل سوم: رابطه عبودت لله

این اصل، اصل بسیار مهمی است و اگر این اصل را، اول ذکر می کردیم شایسته بود و اینکه در شماره سوم ذکر می کنیم به این معنا نیست که از آن دو اصل دیگر متأخر باشد؛ بلکه بر آنها مقدم است. این رابطه، ویژگی ها و خصائص و آثار فراوانی به دنبال دارد و به این رابطه نتایجی بار می شود که در آینده این نتایج را تبیین خواهیم کرد؛ لکن اصل اینکه این اصل، بر رابطه حاکم بر محکومان برقرار است و رابطه بین حاکم و مردم را جهت می دهد، در قرآن کریم و همچنین در روایات بیشترین تأکید بر آن شده است. در قرآن کریم، اولاً جامعه اسلامی و جامعه اهل ایمان به جامعه «عباد الله الصالحین» معرفی شده است، که مراد از «صالح» یعنی «عباد الله»ی که مورد پسند خداوند و عباد الهی که در منطق نظام اسلامی، عباد الهی هستند که بر وفق قانون الهی عمل می کنند که قانون مبتنی بر اصلاح و صلاح است و گفتیم از آغاز سنت و قانون الهی در روی زمین، قانون اصلاح است و اینان «عباد الله الصالحین» اند؛ در سورة انبیا می فرماید:

«وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزُّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرْثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»^۱

در «زبور» بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: «بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد!»

این عباد الله صالح، وصف جامعه الهی و اسلامی است. البته این کلمه «عباد الله صالح» در خصوص امامان جامعه اسلامی اطلاق می شود و ما این را گفته ایم که امام بدون مأموم وجود ندارد؛ لذا وقتی وصف «عباد الله صالح» بر امامان جامعه اسلامی اطلاق می شود، شامل امامان و مأمومان می شود و هر دو را فرا می گیرد؛ امام، هیچ گاه از مأموم خودش جدا نیست. ما در مباحث علم الاجتماع اسلامی گفتیم اساساً هویت جامعه مسلم را، امام می سازد و یک نوع وحدت هویت بین امام جامعه مسلم و بین جامعه مسلم وجود دارد. لذا این «يَرْثُهَا عِبَادِي الصَّالِحُونَ» هم بر امامان جامعه اسلامی صدق می کند و هم بر مجموعه امام و مأموم. در آیات کریمه قرآنی این نوع کاربری – البته با مشتقات مختلف کلمه «عبد» و «عباد» – [فراوان به کار رفته است] مثلاً در سوره انبیا، بعد از آیه فوق، می فرماید:

«إِنَّ فِي هَذَا بُلَاً لِّقَوْمٍ عَابِدِينَ»^۱؛

در این، ابلاغ روشنی است برای جمعیت عبادت کنندگان.

قوم عابد نیز، همان جامعه عابد است و با کنار هم گذاشتن این دو آیه، می توان «عباد الله الصالحون» را امامان جامعه اسلامی تلقی کرد – زیرا این بلاغی که در آیه می فرماید، به وسیله رسل و اوصیای رسل صورت می گیرد و «یرثها» اشاره با حاکمیت است یعنی عباد الله الصالحون، حاکم زمین می شوند – و «قوم عابد» را، مأمومین و مردم جامعه اسلامی دانست. بنابراین در مجموع، جامعه اسلامی در منطق قرآن کریم چنین معرفی می شود که جامعه «عباد الله الصالحین» است و جامعه «عابدین» است، جامعه ای است که مبتنی بر عبودیت خدای متعال است و اساس شکل گیری این جامعه، عبودیت لله است.

در مجموعه های فراوانی در سور متعدد از قرآن کریم، پیام انبیا به دو شکل خلاصه شده است؛ در بسیاری از آیات، پیام خدای متعال چنین مطرح شده:

«فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا»^۲؛

تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

در سوره شعرا که اشاره به پیام انبیا به قومشان می کند و می فرماید ما هر پیامبری را که فرستادیم، پیام آن پیامبر به قومش چنین بوده است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا».

از حضرت نوح علیه السلام شروع می کند و چنین می فرماید:

۱. همان: ۱۰۶.

۲. سوره شعراء: ۱۰۸.

«كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ * إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ
أَطِيعُوا»؛^۱

قوم نوح رسولان را تکذیب کردند * هنگامی که برادرشان نوح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! *
مسلماناً من برای شما پیامبری امین هستم! * تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

و بعد همین پیام را از قول هود عَلَيْهِ السَّلَام نقل می کند:

«إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا»؛^۲

هنگامی که برادرشان هود گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! * مسلماناً من برای شما پیامبری امین هستم. *
پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

و در ادامه همین پیام را از قول صالح عَلَيْهِ السَّلَام نقل می کند:

«إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا»؛^۳

هنگامی که صالح به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! * من برای شما پیامبری امین هستم! * پس
تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

و بعد می فرماید:

«وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ * الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يَصْلَحُونَ»؛^۴

فرمان مسرفان را اطاعت نکنید! * همانها که در زمین فساد می کنند و اصلاح نمی کنند!

که می فرماید، امر مرا اطاعت کنید، نه امر مفسدین را.

همینطور در مورد لوط عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید:

«إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطٌ أَلَا تَتَّقُونَ * إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ * فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا»؛^۵

هنگامی که برادرشان لوط به آنان گفت: «آیا تقوا پیشه نمی کنید؟! * من برای شما پیامبری امین هستم! *
پس تقوای الهی پیشه کنید و مرا اطاعت نمایید!

۱. همان: ۱۰۵ - ۱۰۸.

۲. همان: ۱۲۴ - ۱۲۶.

۳. همان: ۱۴۲ - ۱۴۴.

۴. همان: ۱۵۱ و ۱۵۲.

۵. سورة شعراء: ۱۶۱ - ۱۶۳.

و همچنین از قول موسی عَلَيْهِ السَّلَام و عیسی عَلَيْهِ السَّلَام نیز همین را نقل می‌کند و گفتیم اینجا فرموده: «اطیعونی» نفرموده «اطیعوه» که این نیز نکته‌ای دارد؛ اینکه نقش پیامبران، تنها نقش پیام رسان و مبلغ نیست که اگر اینگونه بود باید می‌فرمود: «اتقوا الله و اطیعوه»؛ بلکه نقش آنها نقش حاکم است لذا می‌فرمایند «مرا اطاعت کنید». مخصوصاً آیه سوره نساء که مطلق است:

«وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ»^۱؛

ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر برای این که به فرمان خدا، از وی اطاعت شود.

همین قرآن کریم که پیام رسل را چنین معرفی می‌کند، در سور دیگری چنین می‌فرماید:

«لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ»^۲؛

ما نوح را به سوی قومش فرستادیم؛ او به آنان گفت: «ای قوم من! (تنها) خداوند یگانه را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست!

و همچنین درباره هود عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«وَإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ»^۳؛

و به سوی قوم عاد، برادرشان «هود» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را پرستش کنید، که جز او معبودی برای شما نیست!»

و بعد درباره صالح عَلَيْهِ السَّلَام و قوم ثمود می‌فرماید:

«وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ»^۴؛

و به سوی (قوم) ثمود، برادرشان صالح را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! (تنها) خدا را پرستید، که جز او، معبودی برای شما نیست.

و همچنین در خصوص شعیب عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید:

«وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ»^۵؛

۱. سوره نساء: ۶۴.

۲. سوره اعراف: ۵۹.

۳. همان: ۶۵.

۴. همان: ۷۳.

۵. همان: ۸۵.

و به سوی مدین، برادرشان شعیب را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستید، که جز او معبودی ندارید!

این همان پیام است و «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا» با «مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» یکی است که یعنی اطاعت من (رسول)، همان عبادت خدای متعال است؛ آن هم عبادت موحدانۀ خدای متعال. بنابراین از این آیات استفاده می‌کنیم که حاکمیت الهی، حاکمیت «عبادة الله» و حاکمیت عبودیت الهی است. «اطیعونی» که اشاره به حاکمیت امام و رسل الهی است، با عبارت «أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ» بیان شده است.

در سورة هود نیز با همین عبارت تکرار شده است که می‌فرماید:

«وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ * أَن لَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ أَلِيمٍ»^۱؛

ما نوح را بسوی قومش فرستادیم (؛ نخستین بار به آنها گفت): «من برای شما بیم‌دهنده‌ای آشکارم! * جز «الله» [= خدای یگانه یکتا] را پرستید؛ زیرا بر شما از عذاب روز دردناکی می‌ترسم!

بعد از اینکه طوفان آمد و نوح عليه السلام و مجموعه مؤمنان نجات یافتند، خداوند به آنها می‌فرماید:

«قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ أُمَمٍ مِّمَّنْ مَعَكَ وَأْمُرْ سُنَّتَهُمْ فَيُكْمَلْ سُلُوكُهُمْ مِنَّا عَذَابُ أَلِيمٍ»^۲؛

(به نوح) گفته شد: «ای نوح! با سلامت و برکاتی از ناحیه ما بر تو و بر تمام امت‌هایی که با تواند، فرود آی! و امت‌های نیز هستند که ما آنها را از نعمتها بهره‌مند خواهیم ساخت، سپس عذاب دردناکی از سوی ما به آنها می‌رسد (، چرا که این نعمتها را کفران می‌کنند)»

عبارت «بِسَلَامٍ مِنَّا» نشان دهنده این است که آنچه سلام در جامعه بشر برقرار می‌کند، حاکمیت انبیا است و در آینده خواهیم گفت که یکی از خصائص حکومت انبیا، برقراری امنیت است. هم وظیفه حاکم، برقراری امنیت عمومی است و هم از خصائص آن حکومت است؛ که نتیجه این امنیت، رشد انسان‌ها در تمام جهات است لذا می‌فرماید: «بِسَلَامٍ مِنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ».

و «ثُمَّ يَكْمَلُ سُلُوكُهُمْ مِنَّا عَذَابُ أَلِيمٍ» اشاره به این است که متأسفانه، در آینده به دنبال این جریان حاکمیت الهی، یک جریان انحرافی می‌آید و آن جریان انحرافی بر جامعه الهی نوح حاکم می‌شود.

۱. سورة هود: ۲۵ و ۲۶.

۲. همان: ۴۸.

همچنین درباره هود عَلَيْهِ السَّلَام نیز چنین می‌فرماید:

«وَالِإِلَىٰ عَادٍ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ إِنِّي أَنْتُمْ إِلَهُ مُّقْتِرُونَ»^۱؛

(ما) به سوی (قوم) عاد، برادرشان «هود» را فرستادیم؛ (به آنها) گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست! شما فقط تهمت می‌زنید (و بت‌ها را شریک او می‌خوانید)!

و درباره صالح عَلَيْهِ السَّلَام چنین می‌فرماید:

«وَالِإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَٰهٍ غَيْرُهُ»^۲؛

و بسوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: «ای قوم من! خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست!

بنابراین، این دو تعبیر، دو تعبیر از پیام واحد است که در سور متعددی از قرآن کریم – گاهی به شکل خاص در خصوص بعضی رسل و گاهی برای عمومی و تمام رسل – آمده است. حتی برای عیسی عَلَيْهِ السَّلَام؛ اینکه گفته می‌شود پیام ایشان فقط پیام وعظی و ارشادی و اخلاقی بوده؛ این حرف غلطی است زیرا صریحا می‌فرماید که ما عیسی عَلَيْهِ السَّلَام را فرستادیم و پیام او «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ» است؛ به عنوان مثال در سورة آل عمران از آنجا که می‌گوید:

«إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ... * وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ * وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ... * وَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيِّ مِنَ التَّوْرَةِ وَلَا حِلَّ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ * إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»^۳؛

(به یاد آورید) هنگامی را که فرشتگان گفتند: «ای مریم! خداوند تو را به کلمه‌ای [= وجود با عظمتی] از طرف خودش بشارت می‌دهد که نامش «مسیح، عیسی پسر مریم» است... * و به او، کتاب و دانش و تورات و انجیل، می‌آموزد. * و (او را به عنوان) رسول و فرستاده به سوی بنی اسرائیل (قرار داده، که به آنها می‌گوید: من نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام... * و آنچه را پیش از من از تورات بوده، تصدیق می‌کنم؛ و (آمده‌ام) تا پاره‌ای از چیزهایی را که (بر اثر ظلم و گناه،) بر شما حرام شده، (مانند گوشت بعضی از چهارپایان و ماهیها،) حلال کنم؛ و نشانه‌ای از طرف پروردگار شما، برایتان آورده‌ام؛

۱. همان: ۵۰.

۲. همان: ۶۱.

۳. سورة آل عمران: ۴۵ – ۵۱.

پس از خدا بترسید، و مرا اطاعت کنید * خداوند، پروردگار من و شماست؛ او را بپرستید (نه من، و نه چیز دیگر را)؛ این است راه راست!»

که در این پیام حضرت عیسیٰ (علیه السلام)، هر دو عبارت در کنار هم آمده است: «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُونِ» و «فَاعْبُدُوهُ»؛ یعنی حاکم الهی را باید اطاعت کرد و همین اطاعت او، توحید الهی است و اینجاست که بین توحید و اطاعت رهبر الهی اتحاد وجود دارد که در حدیث سلسله الذهب فرمود:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي قَالَ فَلَمَّا مَرَّتِ الرَّاحِلَةُ نَادَانَا بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»^۱

این «أَنَا مِنْ شُرُوطِهَا»، همان «اطيعوني» است که با آن «اعبدوا الله» یکی است و اگر «اطيعوني» محقق نشود، «اعبدوا الله» تحقق پیدا نمی‌کند و این مطلب بسیار مهمی است.

و در جای دیگر خداوند، جامعه الهی فرمانبر خدا متعال را چنین توصیف می‌کند که ابتدا می‌فرماید:

«قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»^۲؛

بگو: «خدا را اطاعت کنید، و از پیامبرش فرمان برید! و اگر سرپیچی نمایید، پیامبر مسؤول اعمال خویش است و شما مسؤول اعمال خود! اما اگر از او اطاعت کنید، هدایت خواهید شد؛ و بر پیامبر چیزی جز رساندن آشکار نیست!»

و گفتیم، «مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ» یعنی رسول، این اطیعونی را با زور و اجبار بر جامعه تحمیل نمی‌کند بلکه ابلاغ می‌کند که من حاکم هستم. و این بلاغ، تبلیغ حاکمیت خودش است. و نیز گفتیم حاکمیت‌های غیر الهی، قطعاً با استفاده از ابزار تخویف و تطمیع مردم را به زیر بار حاکمیت خود می‌برند؛ اما خصوصیت حاکمیت انبیا این است که با این دو ابزار خودش را بر جامعه تحمیل نمی‌کند لذا می‌فرماید: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ» مردم مسئولند که این پیام رسل را بپذیرند و اختیاری که دارند، اختیار تکوینی است، نه اختیار تشریعی؛ یعنی در عالم تشریع برای آنها مجاز نیست که رهبر و فرمانروایی غیر از فرمانروای الهی را انتخاب کنند و اینطور نیست که چه فرمانروای الهی و چه فرمانروای غیر الهی را انتخاب کند، مشروع باشد؛ بلکه اگر فرمانروای غیر الهی را انتخاب کردند، نامشروع است؛ با این حال مردم را با جبر وادار به اطاعت فرمانروای الهی نمی‌کنند: «فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ» رسول وظیفه‌اش

۱. توحید؛ ص ۲۵.

۲. سوره نور: ۵۴.

ابلاغ و رساندن پیام خداست مبنی بر اینکه من (رسول) حاکم هستم، «وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ وَإِنْ تُطِيعُوا تَهْتَدُوا وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ»؛ بعد می فرماید:

«وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»^۱؛

خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده‌اند وعده می‌دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آنها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه‌دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می‌کند، آنچنان که تنها مرا می‌پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت. و کسانی که پس از آن کافر شوند، آنها فاسق‌اند.

شاهد ما عبارت «يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا» است که وصف این جامعه الهی برقرار کننده حکم خدایی که این جامعه از حاکم الهی تبعیت می‌کند است. این «يَعْبُدُونَنِي» نتیجه همان تمکینی است که خداوند به آنها می‌دهد. مانند آنجا که فرمود:

«الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ»^۲؛

همان کسانی که هر گاه در زمین به آنها قدرت بخشیدیم، نماز را برپا می‌دارند، و زکات می‌دهند، و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، و پایان همه کارها از آن خداست!

که سرانجام این تمکین تحقق پیدا می‌کند و ظاهراً «وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ» اشاره به این آیه ۵۵ سوره نور است که خواندیم.

در بعضی مباحث گفته‌ایم که در قرآن کریم دو وعده وجود دارد و دو فتح؛ یک وعده، وعده دنیوی است و یک وعده، وعده اخروی است؛ وعده دنیوی، وعده به برقراری جامعه صالح در سراسر زمین است که ویژگی این جامعه غایی این است که سراسر جامعه بشر، عبادت الله می‌شود و شرک از کل جامعه بشر رخت بر می‌بندد و الا اصل جامعه تحت فرمان الهی در دروهای فراوانی وجود داشته است؛ لکن ویژگی این جامعه نهایی، این است که سراسر کره زمین را فرا می‌گیرد و ویژگی دیگر اینکه دیگر بعد از آن حکومت، تبدیل وجود ندارد

۱. همان: ۵۵.

۲. سوره حج: ۴۱.

و این چنین نیست که دولتی بعد از آن وجود داشته باشد. وعده دیگر، وعده آخرتی است که آیات آخر سوره زمر آمده است:

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ... * وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا... * وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاؤُهَا وَفُتِحَتِ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ * وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ * وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^۱؛

و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می‌شود، و نامه‌های اعمال را پیش می‌نهند... * و کسانی که کافر شدند گروه گروه به سوی جهنم رانده می‌شوند... * و کسانی که تقوای الهی پیشه کردند گروه گروه به سوی بهشت برده می‌شوند؛ هنگامی که به آن می‌رسند درهای بهشت گشوده می‌شود و نگهبانان به آنان می‌گویند: «سلام بر شما! گوارایتان باد این نعمتها! داخل بهشت شوید و جاودانه بمانید!» * آنها می‌گویند: «حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که به وعده خویش درباره ما وفا کرد و زمین (بهشت) را میراث ما قرار داد که هر جا را بخواهیم منزلگاه خود قرار دهیم؛ چه نیکوست پاداش عمل کنندگان!» * (در آن روز) فرشتگان را می‌بینی که بر گرد عرش خدا حلقه زده‌اند و با ستایش پروردگارشان تسبیح می‌گویند؛ و در میان بندگان بحق داوری می‌شود؛ و (سرانجام) گفته خواهد شد: «حمد مخصوص خدا پروردگار جهانیان است!»

که این «صَدَقْنَا وَعْدَهُ»، وعد اخروی است.

سوال یکی از شاگردان: اگر «صَدَقْنَا وَعْدَهُ»، وعد اخروی است پس چرا بعدش می‌فرماید: «وَأَوْرَثْنَا الْأَرْضَ»؟

پاسخ استاد: این ارض، ارض بعد از تبدل است که می‌فرماید:

«يَوْمَ يُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ»^۲؛

در آن روز که این زمین به زمین دیگر، و آسمان‌ها (به آسمان‌های دیگری) مبدل می‌شود، و آنان در پیشگاه خداوند واحد قهار ظاهر می‌گردند!

از آیات استفاده می‌شود که تمام این جهانی که می‌بینیم، جهان آمادگی برای آن بهشت الهی است و بعد اینها در هم ادغام می‌شوند و این زمین به یک زمین بزرگ تبدیل می‌شود لذا «وَأَوْرَثْنَا الْأَرْضَ» در اینجا، ارض

۱. سوره زمر: ۶۹ - ۷۵.

۲. سوره ابراهیم: ۴۸.

بعد از توسعه و بعد از تبدیل است. و اصلا این ماجرا بعد از نفخ صور و حشر است که قبل از این آیات می‌فرماید:

«وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَالسَّمَاوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِيَمِينِهِ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَى عَمَّا يُشْرِكُونَ * وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ * وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ»؛

آنها خدا را آن گونه که شایسته است نشناختند، در حالی که تمام زمین در روز قیامت در قبضه اوست و آسمانها پیچیده در دست او؛ خداوند منزّه و بلند مقام است از شریکیهایی که برای او می‌پندارند * و در «صور» دمیده می‌شود، پس همه کسانی که در آسمانها و زمینند می‌میرند، مگر کسانی که خدا بخواهد؛ سپس بار دیگر در «صور» دمیده می‌شود، ناگهان همگی به پا می‌خیزند و در انتظار (حساب و جزا) هستند. * و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می‌شود، و نامه‌های اعمال را پیش می‌نهند و پیامبران و گواهان را حاضر می‌سازند، و میان آنها بحق داوری می‌شود و به آنان ستم نخواهد شد!

که این ارض، این ارض کنونی نیست؛ بلکه آن ارضی است که تمام جهان امروزی، مندرک در آن ارض می‌شود لذا این جهان و ستارگان و... در حال انجام کار خودشان هستند و جهان را برای آن اندکاک آماده می‌کنند که می‌فرماید:

«إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ * وَإِذَا النُّجُومُ انْكَرَتْ * وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ»؛^۱

در آن هنگام که خورشید در هم پیچیده شود، * و در آن هنگام که ستارگان بی‌فروغ شوند، * و در آن هنگام که کوه‌ها به حرکت درآیند،

اینها همه اشاره به آن حادثه بزرگ اندکاک است.

۱. سورة زمر: ۶۷ - ۶۹.

۲. سورة تکویر: ۱ - ۳.